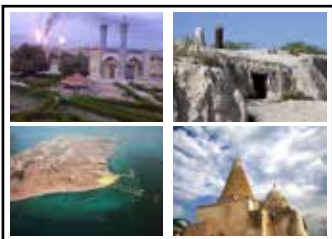


سلام بر خلیج همیشه فارس
درو در خارک

آرزو احمدزاده (راهنمای طبیعتگردی)

و اما ادامه داستان خارک رفتن ما. آنجای قصه بودیم که دریا طوفانی بود و گفتند کشتی به خارک نمی‌رود و ما رفتیم سیراف. اما فردا هوای پوشهر آرام شد و ما باید خود را به پوشهر می‌رساندیم. به پوشهر نرسیدیم ولی همه تلاشمان را کردیم تا به گناوه برسیم و از گناوه به جزیره خارک برویم. با ۱۰ لیتر بنزینی که با سرعت نور، قبل از گناوه زدیم خود را به اسکله رساندیم و کشتی بوق آخر را زد. یک کیسه بزرگ از صندوق عقب ماشین برداشتیم و هر چه بود داخل کیسه ریختیم و کوله‌ها را بر دوش انداختیم و دوان دوان به سوی کشتی دویدیم. آخرین نفر که مهدی بود از اسکله پرید و سوار کشتی شد. بالاخره یک نفس راحتی کشیدیم. در بدو ورود اعلام کردند دریا مواج است و مراقب باشید. شروع کردیم به صحبت کردن تا متوجه موج‌های بلند نشویم اما فایده‌ای نداشت. با هر موج آشوبی در دلمان به پا می‌شد. کم کم جزیره از دور دیده شد و برق خوشحالی در چشمان مان پدیدار شد و از دور جزیره را که می‌دیدیم امیدوار تر می‌شدیم تا بالاخره رسیدیم. سلام بر خلیج نیلگون فارس و سلام بر خارک. دیدن مشعل های سوزان پالایشگاه از نزدیک حال عجیبی داشت. نام محلی این جزیره خارک است و در ۷۶ کیلومتری شمال غربی پوشهر واقع شده است و جلال آل احمد از آن به عنوان «دریتیم خلیج فارس» یاد کرده است. پرویز کنار اسکله با مجوز ورود منتظر ما بود. حس ورود به یک کشور دیگر را داشتیم. مسئول اسکله با دقت هر چه تمام‌تر مجوز ورود و کارت ملی تک‌تک‌مان را چک کرد و مهر ورود را زد. به محل اقامت‌مان رفتیم و استراحتی کردیم و آن کیسه پلاستیک بزرگی که هر چیزی درونش پیدا می‌شد را خالی کردیم. قابلمه بود اما در قابلمه نبود. کاپشن، مایع ظرفشویی بدون اسکاچ، نان، هدفون، شارژر، کفش کتانی و ... فقط آچار چرخ و جک ماشین را در پلاستیک نگذاشته بودیم. شب جزیره خارک واقعا زیباست. سراسر به هر سمتی که بگردانی مشعل‌های روشن را می‌بینی. صبح بعد از صبحانه به گشت و گذار در جزیره پرداختیم. در این جزیره یکی از مهم‌ترین پایانه‌های صادرات نفت جهان بنا شده است. در طول جنگ ایران و عراق بیش از ۹۰ درصد از صادرات نفت ایران از این جزیره انجام می‌گرفت. از این‌رو بود که نیروی هوایی عراق، ۲۸۰۰ حمله را به این جزیره انجام داد. یکی از جاذبه‌های دیدنی این جزیره سنگ نشبه هخامنشی است؛ سنگ‌نبشته‌ای از دوران باستان در خارک به زبان پارسی باستان و خط میخی موجود است که از این کتیبه به عنوان سندی دیگر درباره نام خلیج فارس یاد می‌شود. در تاریخ ۱۱ خرداد ۱۳۸۷ افرادی مخفیانه به‌طور تعمدی به تخریب این سنگ‌نوشته دست زدند که هم‌اکنون تا ۷۰ درصد آن نوشته تخریب شده است. از دیگر دیدنی‌های جزیره می‌توان به آثار قلعه هلندی‌ها، گورستان مسیحی، قبر خارک، خط راه‌آهن، گورستان مسیحی، قبر ابوبکر، قبر علمدار، باغ هلندی‌ها، گورستان پیش‌اسلامی، دخمه‌ها، بقعه قبر محمد و قبر دیده‌بان اشاره کرد. جزیره یک گلخانه و یک باغ پرندگان هم دارد. مردمان جزیره خارک نیز مانند دیگر اهالی جنوب ایران بسیار خونگرم و مهمان‌نواز هستند. اهالی جزیره در حال پختن نذری در مسجد بودند و وقتی متوجه شدند ما تازه واردان جزیره هستیم با مهربانی از ما پذیرایی کردند و شام را مهمان دیگ نذری جزیره شدیم. نمی‌دانم هوای گرم جنوب اینان را انقدر خونگرم کرده یا آرامش دریا مهربانشان کرده است؟ خارک برای من فراموش‌ناشدنی‌ست. جزیره‌ای با آب و هوای گرم و کم‌باران اما مردمانی با دلی به وسعت دریا. با خارک خدا حافظی کردیم و به سمت گناوه راهی شدیم. دریا آرام شد.



استان همدان مهد تمدن و زیبایی‌های خاص طبیعی است

عبور از کوچه‌پس کوچه‌های سنگی ۴۰۰ ساله



بگاه دهماری (راهنمای طبیعتگردی)

که محققان امروزی انجام داده‌اند مشخص شده که اشعار باباطاهر به گویش یهودیان همدان و لری نزدیک است. به دلیل محدودیت زمانی از داخل این آرامگاه دیدن نکردیم. زمان برای بازدید از تپه‌های هگمتانه کافی نبود.

تپه‌های هگمتانه

هگمتانه جایبست که حتماً جهانگردان بسیاری در موردش خوش سفر هستند، حدود یک سال بسیار اصرار داشتند با هم به یک سفر برویم. یادشان افتادم با آن‌ها تماس گرفتم و مشتاقانه موافقت کردند. اما آن‌ها خیلی مایل بودند تا با ماشین شخصی برویم بنابراین قبول کردم. ولی به نظر بهتر شد که با ماشین شخصی رفتیم، زیرا که همدان مکان‌هایی دارد که بازدید از آن‌ها نیازمند ماشین هست.

صبح زود به دنبالم آمدند و از تهران راهی همدان یعنی هگمتانه پایتخت بزرگ ایران در زمان مادها شدیم. در همدان خانواده‌ای را می‌شناختم که ما را به خانه‌شان دعوت کردند. این خبر بسیار خوشحال‌کننده‌ای بود. چرا که ترجیح من اقامت در کنار افراد بست محلی و اگر اطلاعات زیادی هم داشته باشند که عاشقشان می‌شوم! در جاده خیلی خوشحال بودم.

این باید سفری استثنایی برای من باشد. سفری که انگار سال‌ها منتظرش بودم و حالا خود را در جاده‌هایی می‌دیدم که به سوی هگمتانه می‌رفت.

عبور از این جاده‌ها همیشه در فکر این بودم که در زمان عیلام، مادها و امپراطوری هخامنشی این راه‌ها چه شکلی بودند و چطور از این راه‌ها عبور می‌کردند. کوروش کبیر چطور برای هدفی خاص تمام این راه‌ها را پشت سر می‌گذاشت؟ وقتی به خانه

میزبانان رسیدیم با مهمان نوازی پدر و مادرش و همچنین خونگرمی خودش مواجه شدیم. از برنامه‌مان پرسید، گفتم البته که من به هدف دیدن تپه‌های هگمتانه (اکباتان) به همدان سفر کردم، اما نظر دوستانم هم برایم مهم بود. تصمیم بر این شد تا سفر را ابتدا از آرامگاه باباطاهر شاعر بزرگ ایرانی شروع کنیم.

آرامگاه باباطاهر عریان

وقتی مطالعه کردم متوجه شدم که او شاعر و عارفی ایرانی بوده که در حدود ۱۰۶۳-۹۹۳ میلادی زندگی می‌کرده، یعنی حدود ۱۰۰۰ سال پیش. بابا لقبش بوده و همچنین لقب عریان هم بخاطر بی‌اعتنایی او به مال این دنیا بوده. با تحقیقاتی

واسکلت‌هایی که حدود سال ۲۰۱۶ پیدا شدند، بسیاری از تاریخ‌نویسان نوشته‌اند که در ایران باستان چنگال و قاشق معنایی نداشته و ایرانیان با دست غذا می‌خوردند. اما از آثاری که در هگمتانه پیدا شده می‌توان نتیجه گرفت که تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران به قدری کهن و غنی بوده که حتی برخی بر این باورند که قاشق و چنگال ابتدا در ایران اختراع شده است. قاشق غذاخوری مسی زیبایی در این موزه از دوران هخامنشی موجود است که فرهنگ و تمدن غنی ایران را ثابت می‌کند.

درست در وسط موزه، زیر شیشه‌ای اسکلتی را دیدیم که کنارش نوشته شده بود نوامبر ۲۰۱۷ مامورین اداره آب و فاضلاب در حال انجام یک حفاری در مرکز شهر همدان بودند که به این شی عجیب تاریخی برخورد می‌کنند و فوراً با سازمان میراث فرهنگی تماس می‌گیرند. کارشناسان هم بررسی می‌کنند و تشخیص می‌دهند این تابوت دو معشوقه متعلق به دوره اشکانی بین ۲۲۵۰ تا ۱۸۰۰ سال پیش است. پس از خروج از موزه هگمتانه کمی آن طرف‌تر در خیابان اکباتان، ضلع شمال شرقی تپه هگمتانه، کلیسای قدیمی به نام کلیسای گریگوری استن قرار دارد، همچنین کمی جلوتر کلیسای زیبا به نام کلیسای حضرت مریم وجود دارد که بسیار جالب توجه است.

شیر سنگی

نوشته‌اند امروزه میدانی و تپه‌ای که شیر سنگی در وسطش قرار دارد گورستان دوران اشکانی بوده است. پس این اثر یکی از یادگاری‌های دوران سلوکی یا اشکانی است که از همان ابتدا به همراه قرینه‌اش (شیری مشابه همین شیر) در دروازه شهر همدان قرار داشته، اما پس از فتح ایران توسط اعراب نادیده

گرفته می‌شود تا اینکه در سال ۹۳۱ میلادی این دروازه‌ها توسط طوایف دیلمیان کاملاً تخریب شدند اما یکی از آن شیرها هنوز تا حدی سالم است و حالا در وسط یکی از میدان‌های شهر همدان قرار دارد. این میدان بعد از ظهرها به باتوق پذیرزگ‌ها و جوانان همدان تبدیل شده است.

گنجنامه

همانطور که می‌دانید کوه الوند از بزرگ‌ترین کوه‌های ایران است. در دامنه آن و در قسمتی از همدان که به دره عباس‌آباد مشهور است سنگ‌نبشته‌هایی قرار دارد که

موزه و کلیسای هگمتانه

موزه هگمتانه پر از آثار مهم از ایران باستان است. ظرف‌های بسیار ارزشمند از زمان مادها، هخامنشی

کتیبه‌ها هر کدام در سه ستون ۲۰ سطر به زبان‌های پارسی باستان، عیلامی و بابلی نوشته شده‌اند. «متن کتیبه دارپوش کبیر» «خدای بزرگ است اهورامزدا، که این زمین را آفرید، که آن آسمان را آفرید، که مردم را آفرید، که شادی را برای مردم آفرید، که داریوش را شاه کرد، شاهی از امیان، بسیاری، فرمانروائی از امیان، بسیاری. منم داریوش، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه سرزمین‌هایی که نژادهای گوناگون دارند، شاه سرزمین دور و دراز، پسر و پستاسب هخامنشی.»

متن کتیبه خشایارشا

«خدای بزرگ است اهورامزدا، که بزرگ‌ترین خدایان است، که این زمین را آفرید، که آن آسمان را آفرید، که مردم را آفرید، که برای مردم شادی آفرید، که خشایارشا را شاه کرد، یگانه از میان شاهان بسیار، یگانه فرمانروا از میان فرمانروایان بی‌شمار. من خشایارشا، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه کشورهای دارای ملل بسیار، شاه این سرزمین بزرگ دوردست پهنوار، پسر داریوش شاه هخامنشی.»

آرامگاه ابن سینا

یکی از دانشمندانی که نه تنها ایرانیان، بلکه جهان به او افتخار می‌کند ابن سینا به قول انگلیسی‌ها Avicenna نام دارد. جالب است که بداند ابن سینا تنها به عنوان طبیب در ایران شناخته می‌شود اما جهانپیان از او به عنوان‌های همه‌چیزدان، پزشک، ریاضیدان، منجم، فیزیکدان، شیمیدان، روان‌شناس، جغرافیدان، زمین‌شناس، شاعر و فیلسوف یاد می‌کنند.

غار علیصدر

دیگر از تاریخ ایران دور شدیم و تصمیم گرفتیم روز بعد به غار علی

صدر برویم. جسد از زیبایی این غار، مسیرمان به سمت این غار چنان زیبا و سرسبز بود که بارها از ماشین پیاده و مشغول عکاسی شدیم. زمین‌شناسان قدمت سنگ‌های این غار را به دوره ژوراسیک از دوران دوم زمین‌شناسی (۱۹۰-۱۳۶ میلیون سال قبل) نسبت می‌دهند.

مردم روستای علی‌صدر و روستاهای اطراف، از قدیم به وجود این غار پی برده بودند و از آب آن بهره‌برداری می‌کردند. علاوه بر این، در صد سال گذشته، اهالی ده با هدایت مازاد آب نهر سراب به غار علیصدر، از آن به عنوان مخزن و سدی برای استفاده در فصل گرما بهره می‌برند و همین موضوع باعث شده بود تا سطح آب در قسمت شرقی غار یعنی تا نزدیکی دهانه ورودی غار بالا بیاید و امکان دسترسی به غار را تا سال‌ها غیرممکن کند؛ تا اینکه با وقوع زلزله مخرب فارسینج در ۲۲ آذرماه ۱۳۳۶ و ایجاد شکاف در کف غار سراب، آب نهر سراب به یکباره قطع شد و طی ۶ سال یعنی حدود سال ۱۳۴۲ سطح آب غار علیصدر به ارتفاع طبیعی خود رسید و ورود به غار میسر شد و به تدریج پای کوهنوردان به درون غار باز شد. با اینکه مردم امروزه اسم این غار را «علی‌صدر» می‌نامند، ولی در اصل اسم این غار به دلیل آبی که در آن وجود دارد و جزو آب‌های سرد است، «علی‌سرد» است. آنچه غار علی‌صدر را از سایر غارهای آبی جهان متمایز می‌کند، سهولت استفاده از کانال‌های آبی درون آن است که به سبب وسعت آن به راحتی می‌توان در آن طی مسیر کرده و با قایق‌های معمولی از درون آن‌ها گذشت. برای بازدید از غار، نیاز دارید که بلیط قایق تهیه کنید تا با یک تور داخل غار بروید، پس ماهم سوار قایق شدیم، راهنمای تور می‌گفت که هر ۱۰۰ سال یک‌میلیمتر به طول قندیل‌های غار بر اثر رسوب اضافه می‌شود؛ پس این همه قندیل بلند باید خیلی عمرشان زیاد باشه؛ نکته‌ای که در غار دوست نداشتم نورهای رنگی بود، اگر چه فضای غار را برای مردم عادی زیبا می‌کرد، اما به‌نظرم حال و هوای غار را می‌گرفت و آن را از فرم طبیعی خود خارج می‌کرد و به‌نظرم یک نور بی‌رنگ عادی کافی است. وقتی در راه برگشت به همدان بودیم اطراف جاده پر از زمین‌سرسبز بود که تصمیم گرفتیم پیاده شویم و به دور از زندگی، افکار و همه چیز، در طبیعت غرق شویم و از منظره لذت ببریم.

اینجا تکه‌ای از ایران است که بوی آزادی و غرور می‌دهد. میزبانمان از همان ابتدای سفرمان به همدان، بازدید از روستای ورکانه را بسیار پیشنهاد می‌کرد. باید بگویم که واقعاً عجیب و غریب بود. مخصوصاً جاده‌ای که به سمت روستا می‌رفت بسیار متوجه سدی به نام «سد اکباتان» شدیم که واقعاً منظره‌ای بسیار خاص کرده بود. بعد از ۳۰ دقیقه رانندگی به ورکانه رسیدیم. روستای ورکانه خیلی کوچک‌تر از چیزی بود که فکر می‌کردم، یک روستای سنگی و چوبی با بافتی بسیار قدیمی. با یکی از محلی‌های آنجا صحبت کردم که می‌گفت «اینجا خیلی قدمت داره، خان‌های زیادی عوض کرده و پر از ریش سفیده.» من اما با کنجکاوی تمام در مورد این روستا در اینترنت مطالعه کردم، متوجه شدم که قدمت این روستا به بیش از ۴۰۰ سال می‌رسد. نکته بسیار جالب در این روستا بافت سنگی آن است که بخاطر ماندن در زیر نور آفتاب به رنگ قهوه‌ای سوخته درآمده و آن را یادآور دوران رنسانس اروپا کرده است. بعد از بازدید از ورکانه دیگه سفر به معنای واقعی به پایان رسیده بود. به خانه میزبانمان در همدان برگشتیم تا برای بازگشت به تهران آماده شویم.

در مسیر بازگشت خیلی با خودم فکر می‌کردم، مساز آرامگاه شاعری که نامش قرن‌هاست در جهان به گوش همگان آشناست، سفر را شروع کردیم، به تپه‌های هگمتانه رسیدیم، از میان تاریخ ۳۰۰۰ ساله ایران و از پایتخت امپراطوری قدرتمند و بزرگ ماد عبور کردیم، با فکر اینکه این امپراطوری چگونه حکومت قدرتمند، ظالم و وحشی آشور را شکست داد قدم در موزه هگمتانه گذاشتیم، آثار موزه هگمتانه که برای اثبات تاریخ، فرهنگ و تمدن غنی ایران خیلی حرف‌ها برای گفتن دارند را دیدیم و سرانجام از شیر سنگی که نتیجه هنر معماری ایرانیان بوده است درآوردیم. به گنجنامه رسیدیم و تاریخ کهن امپراطوری هخامنشی را دیدیم، به آن افتخار کردیم، در همین افکار ناگهان دانشمندی بزرگ که جهان را تکان داد صدایمان کرد، ابن سینای بزرگ یکی از ستون‌های محکم علم امروزی جهان، فیلسوفی که نامش را در همه جای دنیا می‌شنویم زیر آسمان همدان خوابیدیم و صبح در طبیعتی با قدمت چند میلیون ساله گم شدیم، غار علیصدر که غاری منحصر بفرد در جهان است را دیدیم، و در آن طرف همدان روستایی خاص وجود داشت که هیچگاه از یادمان نخواهد رفت، مردمان خونگرم این روستا برای ۴۰۰ سال بود که در خانه‌های سنگیشان زندگی می‌کردند و در کوچه‌های ۴۰۰ ساله قدم زدیم و حالا باید برمی‌گشتیم به زندگی خودمان در شهرهای بزرگ.

